

## سوالات آزمون گروه زبان دکتری ۹۸

## استعداد تحصیلی

## بخش اول: درک مطلب

■ راهنمایی: در این بخش، دو متن به‌طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

## متن (۱)

شالوده‌مهارت‌های فکری باید از همان سال‌های اولیه زندگی پی‌ریزی شود، زیرا فراخ‌اندیشی از همان سال‌هایی آغاز می‌شود که شخصیت و هویت کودک به‌عنوان یک شخص متفکر، در حال شکل‌گیری است. در طول دوره‌ای که کودکان رشد کرده و بزرگسال می‌شوند، تمایل روزافزونی به جزم‌اندیشی و داشتن ذهن بسته در آنها پدید می‌آید. وقتی که ذهن بسته باشد، اعتقادات و باورها خودمحور هستند و به‌عبارتی، آنچه را که «من» باور دارم، بسیار اساسی‌تر است از آنچه که من «باور دارم». متعصبان توانایی لازم را برای ورود به گفت‌وگوی آزاد و مستدل ندارند. نباید اجازه داد که چنین اتفاقی بیفتد.

می‌توان به کودکان آموزش داد تا ارزش و منزلت ظرفیت فکری خود را بدانند. همین‌طور اصول استدلال کردن، شیوه استفاده از دلیل به‌عنوان ابزاری برای یادگیری، راه یادگیری از دیگران و نیز چگونگی ایفای نقش در فعالیت‌های گروهی تحقیقاتی را می‌توان به کودکان آموزش داد. برای رسیدن به چنین هدف‌هایی باید به آنها فرصت داد تا خودشان افکار و اندیشه‌های خود را کشف کنند، ایده‌های خود را در قالب واژه‌ها بیان کنند، نظریات خویش را ارائه دهند و به توجیه باورهای خود بپردازند. آنان نیاز دارند که خود را به‌عنوان افرادی توانا، متفکر و باحساس کشف کنند. اگر قرار است افراد فراخ‌اندیش و منتقد بار آیند، نباید بگذاریم که قدرت فکری ایشان به‌دست شانس سپرده شود. از نظر «لیپمن»، استدلال ماهرانه کیسه‌ای هوشمند و پر از ترفند نیست که در گذر از این مسیر تصادفی به‌دست آید؛ بلکه آموزه‌ای است که بیش از همه با تمرین و بحث منظم آموخته می‌شود.

تفکر سطوح مختلفی دارد که سطوح پایین آن عبارتند از: «دانش» (آگاهی از داده‌ها)، «درک مطلب» (فهمیدن داده‌ها) و «کاربرد» (استفاده از داده‌ها) و سطوح بالاتر آن عبارتند از: «تجزیه» (تفکیک داده‌ها)، «ترکیب» (آفرینش چیز جدیدی از داده‌ها) و «ارزشیابی» (دانش ارزشیابی). ویژگی این سطوح بالای تفکر، فرایندی است به‌نام «کنترل فراشناختی پیشین». فراشناخت به «شناختِ شناخت یا دانستن درباره دانستن» گفته می‌شود. فراشناخت عبارت است از دانش فرد درباره چگونگی یادگیری خود.

تفکر انتقادی نوعی حل‌مسئله است، اما علاوه بر حل‌مسئله، شامل توانایی‌های تحلیل و ارزشیابی امور نیز می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، تفکر انتقادی یعنی توانایی و گرایش فردی برای سنجش نتایج امور و تصمیم‌گیری درباره آنها. براساس شواهد می‌توان گفت که ماهیت و ذات تفکر انتقادی، رسیدن به «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» است. «لیپمن» برای تفکر انتقادی، ویژگی‌هایی برمی‌شمرد: تفکری که قضاوت‌ها را تسهیل می‌کند؛ چرا که به ملاک متکی است، به زمینه‌ای که در آن رویداد اتفاق افتاده حساس می‌باشد و همراه با «خودتصحیحی» است. تفکر انتقادی بدون داشتن تفکر خلاق، ممکن نیست. خلاقیت سازماندهی دوباره دانسته‌ها برای پی بردن به مطالبی است که نمی‌دانیم. از این‌رو، برای اینکه خلاقانه بیندیشیم باید این توانمندی‌ها را ما ایجاد شود تا بتوانیم آنچه را درست می‌پنداریم، بازنگری کنیم. تفکر خلاق، توانایی ارائه راه‌حل‌های جایگزین، بررسی دیگر عوامل درگیر با موضوع و مکملی ضروری برای تفکر انتقادی و قیاسی است.

کدام هدف اصلی متن، کدام است؟

۲) توضیح زمینه لازم برای رشد تفکر انتقادی

۱) تبیین رابطه میان فراخ‌اندیشی و تفکر انتقادی

۴) تأکید بر لزوم آموزش تفکر انتقادی

۳) تمایز میان تفکر محض و تفکر انتقادی

کله ۲- اطلاعات لازم برای پاسخ به کدام سؤال زیر، در متن موجود است؟

- ۱) چرا وقتی ذهن بسته باشد، باورها خودم‌محور هستند؟
- ۲) «کنترل فراشناختی پیشین» در کدام بخش از سطوح تفکر قرار می‌گیرد؟
- ۳) چگونه یاد دادن تفکر انتقادی به کودک، باعث رشد خلاقیت در او می‌شود؟
- ۴) چرا به کودک، اغلب اجازه داده نمی‌شود تا نظراتش را بیان و باورهایش را توجیه کند؟

کله ۳- منظور از اشاره به «لبیمن» در پاراگراف ۲، کدام است؟

- ۱) تأکید بر دشواری فرایند یادگیری تفکر صحیح
- ۲) ارائه مثالی ساده برای ردّ ادعای غالب در زمینه آموزش تفکر
- ۳) بازگویی جمله ماقبلش و تأییدی بر نتیجه‌گیری پاراگراف
- ۴) تمایز میان تفکر انتقادی و تفکر زیرکانه که برای قبولاندن نظری، حتی غلط به دیگران، ممکن است به‌کار رود

کله ۴- طبق متن، وجود کدام مورد، برای موجودیت تفکر خلاق ضروری است؟

- ۱) توان تحمل «قضای معلق» یا «تردید سالم» و داشتن ملاک لازم برای خروج از این مرحله
- ۲) توان ساختاربندی دوباره مطالبی که می‌دانیم، برای رسیدن به نادانسته‌ها
- ۳) خواست و میل خروج از مرحله «من» باور دارم و ورود به حیطه من «باور دارم»
- ۴) داشتن ملاک برای تسهیل قضای‌های روزانه

#### متن (۲)

نمی‌دانم از کی بین تألیف و ترجمه تفاوت قائل شدند و تألیف را برتر دانستند. آنچه می‌دانم این است که چنین تمایزی وجود دارد و مدت‌هاست بین این دو تبعیض قائل می‌شوند. ترجمه را شکل نازلی از نوشتن به‌شمار می‌آورند و تألیف را فعالیتی اصیل، خلاق و برتر می‌شمارند. برخی نویسندگان را به اعلا علیین می‌رسانند و در باب دستاوردهای آنها سخن به‌گزار می‌گویند، اما مترجمان هر چقدر هم پربار باشند، به چشم نمی‌آیند. [۱] مترجمان موجوداتی نامرئی‌اند که هنر نویسندگی آنان در سایه شهرت نویسنده محو می‌شود. این تمایز ناروا میان تألیف و ترجمه، چنان همه‌گیر شده که استادان دانشگاه تمایل به ذکر ترجمه‌هایشان در فهرست آثارشان ندارند و یک مقاله تألیفی در یک مجله گمنام، با ارزش‌تر از ترجمه اثری از پوشکین یا دانته به‌شمار می‌آید. در قرون وسطی، چنین تمایزی وجود نداشت. کم نبودند نویسندگانی چون چاسر که به چند فعالیت ادبی مشغول بودند، از تألیف و ترجمه گرفته تا بازنویسی و شبه‌ترجمه و تقلید. در قرن شانزدهم نیز ترجمه به منزلت بالایی دست یافته بود. در اواخر قرن شانزدهم، زمانی که جان درایدن به ترجمه و تألیف مشغول بود، کم‌کم زمزمه این تمایز آغاز شد و این به‌نفع ترجمه نبود.

دلیل این تمایز، تا حدّی به اختراع صنعت چاپ مربوط است و تا حدّی به پیچیدگی‌های قوانین حق تألیف که همگام با صنعت چاپ به‌وجود آمد و تا حدّی به شیفتگی جهان پسا‌رنسانس به متن اصلی که متنی صاحب اقتدار به حساب می‌آمد. شاید هم تا حدّی به افزایش مداوم تعداد باسوادان مربوط بود، چون ترجمه، ابزاری برای آموزش زبان به کودکان بود. این استفاده از ترجمه به‌عنوان ابزاری برای آموزش، در تلقی عام نسبت به ترجمه اثر گذاشت و آن را در حدّ فعالیتی فاقد اصالت و خلاقیت پایین آورد. در نتیجه، در این دوره که برای اصالت ارزش زیادی قائل بودند، ترجمه اهمیت خود را از دست داد. خود مترجمان نیز در این امر بی‌تقصیر نیستند. غالب مترجمان در مقایسه با نویسندگان محبوب‌تر و متواضع‌ترند و بیشتر نقشی کارکردی برای خود متصورند تا خلاقانه. [۲] اما مضحک است که ترجمه را فعالیتی غیرادبی بدانیم. مترجم در آغاز رویارویی با متن، نخست خواننده است و سپس، بازنویس و بازآفریننده متن در زبان دیگر می‌شود. با توجه به محدودیت‌هایی که متن اصلی برای مترجم پیش می‌آورد، ترجمه مستلزم یک سلسله مهارت‌های زبانی است که به‌هیچ‌عنوان کم‌ارزش‌تر از مهارت‌های لازم برای تألیف نیست.

بسیاری از نویسندگان، ترجمه هم می‌کنند و از نظر کسانی که هم ترجمه می‌کنند و هم می‌نویسند، نه تمایزی میان تألیف و ترجمه وجود دارد و نه تألیف برتر است. ترجمه مانند تقلید می‌تواند ابزار یادگیری هنر نویسندگی باشد، چون وقتی نویسنده می‌تواند صداهای



مختلف را تشخیص دهد و صحبت کند، احتمال اینکه بتواند صدای منحصر به فرد خود را بیابد، بیشتر می‌شود. از ترجمه می‌توان برای دستیابی به هدفی بالاتر از یادگیری اصول پایه‌ای نوشتن هم استفاده کرد. ممکن است ترجمه در طول حیات یک نویسنده، یکی از فعالیت‌های ادبی وی نیز باشد. [۳] بیشتر شعرای قرن هجدهم، رمانتیک‌های اروپا، نویسندگان مطرح قرن نوزدهم، نویسندگان آخر سده نوزده، مدرنیست‌ها و شعرای دهه ۱۹۳۰، همگی ترجمه می‌کردند و ترجمه‌های دیگران را می‌خواندند. جنبش‌های ادبی در سراسر اروپا در قرن نوزدهم، ریشه در ترجمه داشت. بعدها با گسترش تجارت، راحت شدن سفر و بسط ارتباطات، جهان کوچک‌تر شد و به‌این ترتیب، ترجمه در ایجاد آگاهی از فرهنگ‌های مختلف، نقش عمده‌ای بازی کرد. ترجمه ابزاری بود برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد دیگر نویسندگان و آثارشان و نیز کشف راه‌های جدید تألیف. [۴]

**کج ۵-** در پاراگراف اول، کدام مورد زیر را می‌توان به‌درستی، از دیدگاه نویسنده استنباط کرد؟

- ۱) کار ترجمانی از اصالت و خلاقیت بالاتر از فعالیت‌های تألیفی برخوردار است، چون هم نویسنده‌گی و هم مهارت زبان دوم، در آن نهفته است.
- ۲) انتخاب اثری از نویسنده‌ای بزرگ، نام مترجم را بسیار کم‌رنگ می‌کند.
- ۳) تمایز میان تألیف و ترجمه، به زمان اندکی پس از قرون وسطی برمی‌گردد.
- ۴) مترجم به معنی درست آن، فردی صاحب هنر و مهارت نویسنده‌گی است.

**کج ۶-** کدام مورد، به بهترین وجه، ساختار پاراگراف ۲ را توصیف می‌کند؟

- ۱) دو نظر مختلف راجع به یک موضوع مقایسه، و دلایل برتری یک نظر نسبت به دیگری، نشان داده می‌شود.
- ۲) یک الگوی سنتی و متعارف، رد و الگویی جایگزین، معرفی می‌شود.
- ۳) ادله جدیدی برای رد یک نظریه غالب مطرح و سپس خود آن نظریه، بحث می‌شود.
- ۴) دلایل پدیده‌ای واکاوی و سپس ادعایی خلاف آن پدیده، مطرح می‌شود.

**کج ۷-** کدام روش استدلالی زیر، در متن مورد استفاده قرار نگرفته است؟

- |                    |   |
|--------------------|---|
| ۱) توصیف فرایند    | ۲) توصیف عملکرد                             |
| ۳) استفاده از مثال | ۴) توصیف تحولات برحسب توالی زمانی رویدادشان |

**کج ۸-** کدام قسمت در متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین قسمت برای قرار گرفتن جمله زیر است؟

«برای مثال، الکساندر پوپ شهرتش را همان اندازه مدیون «دانسیاد» است که مدیون ترجمه‌اش از شعر هومر.»

- |        |        |        |        |
|--------|--------|--------|--------|
| ۱) [۱] | ۲) [۲] | ۳) [۳] | ۴) [۴] |
|--------|--------|--------|--------|

## بخش دوم: استدلال منطقی

**راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

**کج ۹-** بحث درباره رابطه زبان و تفکر و تأثیر این دو بر یکدیگر، بحثی قدیمی است که پاسخ مشخصی نیز به آن داده نشده است. امروزه نیز، پژوهشگران به این مسئله پرداخته‌اند اما هنوز نتوانسته‌اند جواب قانع‌کننده‌ای که مقبولیت عام داشته باشد، برای این سؤال ارائه کنند. گره کار عمدتاً در اینجاست که بر سر تعریف تفکر، اتفاق نظر وجود ندارد. به راستی تفکر چیست؟ به چه فرایند یا فرایندهای ذهنی، تفکر گفته می‌شود؟ ماروین مینسکی، که از طرفداران دواتشه هوش مصنوعی و سیستم‌های هوشمند است و معتقد است هر کاری که مغز انسان بتواند انجام دهد، کامپیوتر نیز روزی از عهده آن بر خواهد آمد، در پاسخ این سؤال که آیا کامپیوتر می‌تواند فکر کند، جواب می‌دهد: «بله، به شرط اینکه شما برای من تعریف کنید تفکر چیست.» مینسکی خوب می‌داند که با این جواب، ..... .

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

- ۱) چه سنگ بزرگی، پیش پای مخالفان خود می‌اندازد
- ۲) راهی مطمئن برای رفع تناقض ذاتی ادعایش فراهم می‌آورد
- ۳) همان کاری را می‌کند که به‌واقع، فیلسوفان مدعی در طی قرن‌ها کرده‌اند
- ۴) بالاخره آتشی را که به خرمن یک جدل تاریخی افتاده است، خاموش می‌کند

**کلمه ۱۰-** از زمان آغاز آموزش زبان تخصصی در ایران در دهه ۱۳۵۰، هدف این آموزش، بیشتر متون تخصصی بوده است و به واقع، همه دانشجویان در ایران، باید یک تا سه درس زبان تخصصی را بگذرانند. این دروس را استادان زبان یا استادان دروس تخصصی، بدون هیچ همکاری با یکدیگر، تدریس می‌کنند. تاکنون تحقیقی جدی به منظور بررسی اثربخشی این دروس صورت نگرفته است، ولی جالب است که در این زمینه، بیش از ۲۰۰ جلد کتاب درسی چاپ و در بازار موجودند. سؤال من این است، وقت آن نیست کمی دست نگه‌داریم و منطقی‌تر پیش برویم. کدام‌یک از موارد زیر را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- ۱) موضوع مفید بودن دروس زبان تخصصی، می‌تواند موضوعی مهم برای یک تحقیق جدی باشد.
- ۲) همکاری استادان دروس تخصصی در آموزش زبان تخصصی، همواره به کارایی آموزش در این حوزه، لطمه زده است.
- ۳) دلیل ناکارآمدی کتاب‌های موجود در زمینه آموزش زبان تخصصی، تحقیق محور نبودن آنهاست.
- ۴) اقدام به آموزش زبان تخصصی، از بنیان، کاری اشتباه بوده است.

**کلمه ۱۱-** برخی استدلال می‌کنند که ترجمه، موجبات رکود علمی را فراهم می‌آورد، زیرا به جای تولید علم، واردات علم را استمرار می‌بخشد. به بیان ساده‌تر، اگر ترجمه کنیم، حتی در حوزه‌های کاملاً علمی، فقط مصرف‌کننده دانش دیگران باقی خواهیم ماند؛ حال آنکه اگر تألیف کنیم، موفق به تولید دانش خواهیم شد. به اعتقاد من، این دیدگاه، به‌غایت فروکاهنده و ساده‌اندیشانه است. کسانی که چنین برداشت ابتری از ترجمه دارند، متوجه نیستند که ترجمه، راه ما برای رسیدن به مرزهای نو در دانش را بسیار کوتاه‌تر می‌کند. انتقال تجربه‌ها و دستاوردهای علمی از راه ترجمه، این امکان را فراهم می‌سازد که از پیمودن مسیرهای قبلاً پیموده‌شده و آزمودن تجربه‌های قبلاً آزموده‌شده خودداری کنیم و در عوض، نیرو و توانمان را صرف پیشبرد دانش از مرزهای فعلی کنیم.

کدام مورد، از جمله ایرادات وارد به استدلال نویسنده متن فوق است؟

- ۱) در بسیاری از کشورهای جهان که در مرتبه بالای علمی قرار دارند هم، ترجمه بازار خوبی دارد که این موضوع، نباید از نظر دور بماند.
- ۲) اینکه آیا ارتقای فرهنگی به همان اندازه به تألیف وابسته است که ارتقای علمی و تکنیکی، موضوعی مهم و در عین حال مناقشه‌برانگیز است که به آن نیز باید پرداخته شود.
- ۳) نقش مهارت مترجم در برگردان کتابی که برای ترجمه انتخاب می‌کند، بی‌شک متغیری مهم در اقبال عمومی از آثار ترجمه‌شده است که باید در هر بحثی از ترجمه، مورد توجه خاص قرار گیرد.
- ۴) ترجمه در حوزه‌های مختلفی، غیر از حوزه علمی، همچون حوزه‌های ادبی و هنری نیز صورت می‌گیرد که نقش آن در ارتقای این حوزه‌ها هم، جای بحث دارد.

**کلمه ۱۲-** اتکینسون معتقد بود انگیزش برای دستیابی به موفقیت، تحت تأثیر احتمال موفقیت و جذابیت آن قرار دارد. میزان انگیزش فرد برای انجام تکلیفی (تلاشی)، به این موضوع بستگی دارد که در باور او، احتمال موفقیت انجام آن تکلیف تا چه اندازه است و اگر به هدف نایل شود، آیا پاداش آن مناسب و جذاب است یا خیر. بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن اهداف تکلیف براساس توانایی‌های فردی دانش‌آموزان، احساس موفقیت و تلاش را در آنها ایجاد نمود. همچنین وقتی دانش‌آموزان، کلاس خود را جذاب و تسهیل‌کننده رشد خویش ببینند، تکالیفی را ترجیح می‌دهند که آنها را به چالش فراخواند و کلاس خود را بیشتر دوست خواهند داشت. البته باید دانش‌آموزان تشویق شوند که برای رشد خویش تلاش کنند و به یک انگیزش درونی برای کسب موفقیت دست یابند، در این صورت برای کسب موفقیت، دست به تلاش جدی می‌زنند.

کدام مورد، ارتباط دو بخشی از متن را که زیر آنها خط کشیده شده است، به بهترین وجه، توصیف می‌کند؟

- ۱) اولی، ادعای اصلی متن و راهکار نیل به آن را توصیف و دومی، چالشی خارج از کنترل را که در مسیر نیل به هدف متن و کارایی راهبرد پیشنهادی وجود دارد، ترسیم می‌کند.
- ۲) اولی، راهبرد رسیدن به هدفی است که متن به دنبال آن است و دومی، به معرفی عاملی جدید می‌پردازد که امکان کارایی راهبرد پیشنهادی را تقویت می‌کند.
- ۳) اولی، یافته‌ای است که با موضع اصلی نویسنده همخوان نیست و دومی، موردی است که نویسنده برای رفع این ناهمخوانی آورده است.
- ۴) اولی، نتیجه‌گیری متن است و دومی، آن نتیجه‌گیری را هم مشروط و هم تعدیل می‌کند.



**کج ۱۳-** تفکیک زبان انسانی از زبان جانوری، بر سه محور اساسی استوار است. نخست، اصل قراردادی بودن زبان، یعنی تنها با نوعی «قرارداد» در معانی واژگان می‌توان به گستره بی‌پایان مفاهیم فرهنگی مورداستفاده انسان‌ها دست یافت. این قابلیت، گواه دومین اصل زبان انسانی است: خلاقیت و آفرینندگی آن. ترکیب اصوات و معانی در قالب ساخت‌های زبان، امکان بی‌پایانی برای ایجاد معانی به‌وجود می‌آورد، امکانی که به‌روشنی در آفرینش‌های ادبی بروز می‌کند. سومین اصل مهم در زبان انسانی، قابلیت جابه‌جایی آن در زمان و مکان و بین واقعیت و خیال است. ساخت‌های زبانی به انسان امکان می‌دهند، گذشته، حال و آینده را تصور کند، شرایط واقعی یا خیالی را در ذهن خلق کند و هر کدام از زمینه‌ها و عناصری را که مایل باشد، در هر زمان و مکانی با یکدیگر ترکیب کند. خاصیت حرکت اندیشه از خلال مفاهیم (یا همان واژگان) به انتزاع، امکان مهم و ارزشمندی است که ذهن انسان را آماده پذیرش مفاهیم کاملاً پیچیده‌ای چون اخلاق و دین می‌کند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال فوق را تضعیف می‌کند؟

- ۱) برخی زبان‌شناسان بر این باورند که اصول پایه‌ای زبان‌های بشری، در عین شباهت، دارای تفاوت‌های خاص خود نیز هستند که برخاسته از رابطه میان انسان با محیط طبیعی اطرافش است.
- ۲) آفرینش ادبی، مختص به نژاد و یا زبانی خاص نیست و به‌واقع، از بدو تاریخ مکتوب، ادبیات انتزاعی و خیال‌پردازانه همه موجودات بوده است.
- ۳) اقوام اولیه انسان با اینکه دارای زبان نبودند، دارای باورهای دینی بسیار نزدیک به آنچه امروز دین می‌نامیم، بودند.
- ۴) برخی زیست‌شناسان بر این باورند که زبانی که حیوانات برای ایجاد ارتباط با هم به‌کار می‌برند، قرابت‌هایی با زبان انسانی دارد.

**کج ۱۴-** در یک رابطه بین فرهنگی، فردی می‌تواند ابتکار عمل را به‌دست گیرد و موفقیت رابطه را ممکن کند که از توانش بین فرهنگی برخوردار است. چنین فردی، مشکلات و سوء تفاهات را عنصری طبیعی از رابطه می‌داند، چرا که از تفاوت میان خود و دیگری آگاه است و علاقه‌مندی او به ادامه ارتباط، وی را به سمت رمزگشایی پیچیدگی‌های رابطه سوق می‌دهد. با این نگرش، می‌توان ادعا داشت که در دنیای امروز که در آن، تماس با بیگانگان از یک سو و مقابله با نژادپرستی و ترس از بیگانه از سوی دیگر، بیش از هر زمان دیگر نمود دارد، آموزش توانش بین فرهنگی به افراد، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد اهداف این چنینی کند، چرا که به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از اعمال نژادپرستانه، ریشه در همین بیگانگی‌ها و تفاوت‌ها و عدم اطلاع از چگونگی رویارویی با آنها دارند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال نویسنده را به بهترین وجه، تقویت می‌کند؟

- ۱) دست‌اندرکاران فرهنگی برخی جوامع، با بالا بردن ضریب توانش فرهنگی، میزان تمایلات نژادپرستانه در جامعه را به‌طور معنی‌داری کاهش داده‌اند.
- ۲) در جوامعی که در آنها گرایش‌های نژادپرستانه کم است یا وجود ندارد، مردم بر این باورند که دوری از تحمیل فرهنگ غالب به اقلیت‌ها، عامل اصلی این وضعیت مطلوب است.
- ۳) در جوامعی که سطح بالایی از تبعیض نژادی وجود دارد، افراد بسیاری از اقلیت‌های نژادی، جزو گروه‌هایی می‌شوند که مروج برابری نژادی و ایجاد فضای تساهل فرهنگی هستند.
- ۴) برخی محققان دریافته‌اند که بین توانش فرهنگی در جوامع مختلف و احساس بیگانگی با افراد فرهنگ‌های دیگر، فارغ از میزان اختلافات فرهنگی موجود، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد.

**کج ۱۵-** ریخت‌شناسی (Morphology) از سوی ولادیمیر پراپ، پژوهشگر فرمالیست معاصر، به‌عنوان الگوی مطالعاتی داستان‌های عامیانه انتخاب شد. اگرچه الگوی مذکور براساس قصه پریان روسی شکل گرفت، اما قابل تعمیم به سایر ژانرهای داستانی ملل دیگر، از جمله ادبیات فارسی ایران است. پراپ که در پی کشف ساختار واحد روایی در قصه‌های پریان بود، به ارائه الگویی نایل می‌شود که مراحل حضور قهرمان را در طول روایت‌های داستانی، طبقه‌بندی و تحلیل می‌کند. این الگو که بعدها از سوی دیگر صاحب‌نظران، مورد نقد و تعدیل‌هایی قرار گرفت، در ادبیات داستانی و شبه‌داستانی ایران (حکایت، تمثیل و ...) نیز تعمیم‌دانی است که از آن جمله است تقلیل مراحل این الگو به پنج مرحله کلی از سوی پاول وهولین، پژوهشگر ساختارگرای روسی، که توان انطباق با آثار داستانی گسترده‌ای را در نظریه پیشین ایجاد می‌کند. از این‌رو، این پژوهش براساس نظریه پراپ و مدل وهولین، در پی آن است که بخشی از ادبیات تعلیمی فارسی را بررسی کند و سهم قهرمان‌محوری را در این ژانر بسنجد. لذا، گلستان سعدی به‌عنوان یک اثر تعلیمی، انتخاب، بررسی و تحلیل شد.

کدام‌یک از موارد زیر، یکی از فرضیات لازم در استدلال فوق است که لازمه درستی نتایج تحقیقی است که نویسنده انجام داده است؟

- ۱) استفاده از مدل ولادیمیر پراپ برای تحلیل داستان‌های ملل دیگر، نتایج قابل‌قبولی به‌دنبال داشته است.
- ۲) تغییراتی که پاول وهولین در ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ اعمال کرد، همگی درست و به‌جا بودند.
- ۳) انتقال مدل‌های تحقیق و بررسی، از علمی به علم دیگر، شایع و گریزناپذیر است.
- ۴) گلستان سعدی، بهترین اثر تعلیمی در ادب فارسی به‌شمار می‌رود.



## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.  
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

معلمی از دانش‌آموز خود می‌خواهد که حروف انگلیسی A, B, C, D, E, F را در شش خانه به صورت زیر، از چپ به راست، طوری بنویسد که محدودیت‌های زیر رعایت شود:

- حرف D، زودتر از حرف B نوشته نشود.
- حرف A کنار حرف E قرار بگیرد، ولی کنار D قرار نگیرد.
- حرف B، دقیقاً بین دو حرف A و C قرار نگیرد.
- با جابه‌جایی حروف اول و آخر با یکدیگر در اتمام کار، هیچ‌کدام از محدودیت‌های قبل نقض نشود.



سمت چپ

سمت راست

۱۶- اگر حروف E و F کنار هم نوشته شوند، دقیقاً بعد از A، کدام حرف نوشته می‌شود؟

F (۴)

E (۳)

C (۲)

B (۱)

۱۷- اگر حرف B زودتر از حرف A نوشته شود، کدام یک از موارد زیر، به طور قطع، صحیح است؟

I. حرف D زودتر از حرف A نوشته می‌شود.

II. حرف C زودتر از حرف E نوشته می‌شود.

III. حروف D و E، کنار هم نوشته می‌شوند.

III و I (۴)

II و I (۳)

III و II (۲)

III و II, I (۱)

۱۸- اگر سومین حرفی که نوشته می‌شود E باشد، D چندمین حرفی است که نوشته می‌شود؟

(۴) دومین

(۳) چهارمین

(۲) پنجمین

(۱) ششمین

۱۹- اگر حروف D و F دقیقاً کنار هم نوشته شوند، جای نوشتن چند حرف از شش حرف، به طور قطع مشخص می‌شود؟

(۴) ۶

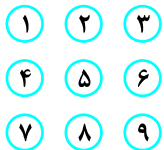
(۳) ۴

(۲) ۳

(۱) ۲

راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

فردی برای ساختن یک رمز به صورت الگو برای گوشی خود، چهار عدد از شکل زیر را باید طوری به همدیگر وصل کند که شکل حاصل به صورت حرف لاتین L (یا هر حالت حاصل از چرخش، قرینگی یا هردو) درآید. در مسیر ساختن الگو، هر عدد باید فقط به یکی از اعداد بالا، پایین، چپ و راست خود، وصل شود. اطلاعات زیر، موجود است:



• در الگوی ساخته‌شده، عدد ۴ به ۵ و عدد ۳ به ۶ وصل نمی‌شوند، اما نه بالعکس.

• الگوی ساخته‌شده، نه با ۲ شروع می‌شود و نه به ۷ ختم می‌شود.

• عدد ۸، جزو چهار رقم تشکیل‌دهنده الگو نیست.

۲۰- اگر عدد ۳ جزو ارقام سازنده الگو نباشد، کدام رقم زیر، به طور قطع، جزو ارقام سازنده الگو است؟

۷ (۴)

۶ (۳)

۴ (۲)

۲ (۱)

۲۱- در چند حالت مختلف، الگو می‌تواند به یک عدد فرد ختم شود؟

۴ (۴)

۳ (۳)

۲ (۲)

۱ (۱)

۲۲- اگر الگوی ساخته‌شده با یک عدد زوج شروع شود، کدام رقم (ارقام) به طور قطع در الگو وجود دارد؟

(۴) فقط ۱ و ۳

(۳) ۱، ۲ و ۳

(۲) ۴ و ۷

(۱) فقط ۱

۲۳- اگر الگوی ساخته‌شده به گونه‌ای باشد که با وصل کردن ارقام الگو به هم از آخر به اول، باز الگوی درستی حاصل شود، کدام رقم زیر، جزو ارقام الگو نیست؟

(۴) ۵

(۳) ۴

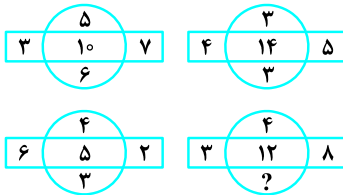
(۲) ۳

(۱) ۲

## بخش چهارم: حل مسئله

- **راهنمایی:** این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است.
- توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.
- راهنمایی:** هر کدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۲۴- در هر کدام از اشکال زیر، بین اعداد ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟



۱۰ (۱)

۸ (۲)

۶ (۳)

۴ (۴)

- ۲۵- از یک مقوای مربع شکل، مستطیلی با اضلاعی به نسبت ۱ به ۲ جدا می‌کنیم. با این عمل، ۳۲ درصد از مساحت مربع کم می‌شود. مساحت بزرگ‌ترین مربع ممکن که می‌توان از تکه باقی‌مانده جدا کرد، چند درصد از مساحت مربع اولیه است؟



۴۸ (۱)

۴۲ (۲)

۴۰ (۳)

۳۶ (۴)

- ۲۶- زوجی، هر دو در سن ۲۶ سالگی، با یکدیگر ازدواج می‌کنند و زمانی که ۱۶مین سالگرد تولد فرزندشان را جشن می‌گیرند، هر کدام دقیقاً سه برابر او سن دارند. این فرزند، چند سال پس از ازدواج آن زوج، به دنیا آمده است؟

۱۰ (۴)

۸ (۳)

۷ (۲)

۶ (۱)

- ۲۷- چوب کبریتی را به نسبت ۴ به ۷ به دو قسمت تقسیم می‌کنیم. اگر تکه بزرگ‌تر را نصف کنیم، چند درصد از تکه کوچک‌تر را باید از آن جدا کرده و دور بیندازیم تا در نهایت، سه تکه با اندازه‌های برابر داشته باشیم؟

۱۰ (۴)

۱۲/۵ (۳)

۱۵ (۲)

۱۷/۵ (۱)

- **راهنمایی:** سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

- ۲۸- فردی یک گوشی تلفن همراه که قیمت آن، زیر ۳ میلیون تومان است را ۲۰ درصد ارزان‌تر از قیمت بازار از دوستش می‌خرد و آن را با ۴۰ درصد سود به فرد دیگری می‌فروشد.

ب

الف

قیمت بازار آن گوشی تلفن همراه با سود ۱۲ درصدی

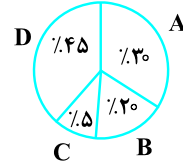
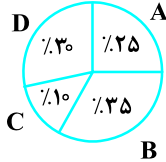
قیمت فروخته شده گوشی تلفن همراه توسط آن فرد



**راهنمایی:** با توجه به اطلاعات و نمودارهای زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

یک استان، دارای ۴ دارالترجمه رسمی با اسامی «A»، «B»، «C» و «D» است. ۴۰ درصد از مجموع مراجعین به این دارالترجمه‌ها زن هستند. نمودار شماره ۱، سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین به این چهار دارالترجمه و نمودار شماره ۲، سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین زن به دارالترجمه‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱. «سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین به این چهار دارالترجمه»  
نمودار شماره ۲. «سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین زن»



۲۹- چند درصد از مراجعین به دارالترجمه «B»، مرد هستند؟

۳۰ (۴)

۳۵ (۳)

۶۵ (۲)

۷۰ (۱)

۳۰- اگر ۷۵ مرد به دارالترجمه «C» مراجعه کنند، چند مرد به دارالترجمه «D» مراجعه می‌کنند؟

۴۵۰ (۴)

۶۱۹ (۳)

۱۵۰۰ (۲)

۲۴۷۵ (۱)



## پاسخنامه آزمون گروه زبان دکتری ۹۸

### استعداد تحصیلی

#### بخش اول: درک مطلب

#### پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه «۴» دقت کنید که در صورت سؤال، هدف اصلی متن از ما پرسیده شده و از همان ابتدای متن، درباره‌ی این مسئله صحبت شده است که شالوده‌ی مهارت‌های فکری باید از همان سال‌های اولیه‌ی زندگی پی‌ریزی شود. پس در واقع متن به لزوم یک مدل آموزش تأکید می‌کند. در ادامه‌ی متن بارها تفکر انتقادی مطرح شده است و مثلاً در خط ۹ و ۱۰ داریم: «اگر قرار است افراد فراخواندیش و منتقد بار آیند...» بنابراین هدف اصلی این متن تأکید بر لزوم آموزش تفکر انتقادی است.

**نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**بررسی گزینه (۱):** این متن فراخواندیشی و منتقد بودن را دو ویژگی‌ای در نظر گرفته که باید آن‌ها را به افراد آموزش داد، ولی رابطه‌ی میان این دو را بیان نکرده است. (در خط ۹ و ۱۰ این دو ویژگی کنار هم آمده‌اند.)

**بررسی گزینه (۲):** درباره‌ی زمینه‌ی لازم برای رشد تفکر انتقادی در متن اطلاعاتی داریم؛ اما دقت کنید که این توضیح درباره‌ی زمینه‌ی لازم، هدف اصلی متن نیست و تقریباً از پاراگراف دوم به بعد مطرح می‌شود؛ اما پاراگراف اول تأکید زیادی بر لزوم آموزش دارد و بنابراین گزینه (۲) صحیح نیست.

**بررسی گزینه (۳):** هیچ توضیحی در این باره در متن نداریم.

۲- گزینه «۲» در متن داریم: «ویژگی این سطوح بالای تفکر، فرایندی است به نام «کنترل فراشناختی پیشین»». پس پاسخ سؤال گزینه (۲) است.

**نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**بررسی گزینه (۱):** در متن فقط این عبارت را داریم: «وقتی که ذهن بسته باشد، اعتقادات و باورها خودم‌محور هستند»؛ اما در ادامه توضیحی برای چرایی این ماجرا نداریم.

**بررسی گزینه (۳):** در متن گفته شده که باید تفکر انتقادی به کودک آموزش داده شود و این که ماهیت و ذات این تفکر چیست؛ ولی به این که چگونه این تفکر باعث رشد خلاقیت کودک می‌شود اشاره‌ای نشده است.

**بررسی گزینه (۴):** جواب این سؤال را اصلاً در متن نداریم.

۳- گزینه «۳» به جمله‌ی قبلی دقت کنید. در خط ۹ و ۱۰ داریم: «اگر قرار است افراد فراخواندیش و منتقد بار آیند، نباید بگذاریم که قدرت فکری ایشان به دست شانس سپرده شود» و در ادامه نظر لیپمن مطرح شده که می‌گوید «استدلال ماهرانه کیسه‌ای هوشمند و پر از ترفند نیست، بلکه یک آموزه است». همان‌طور که می‌بینیم، نظر لیپمن دقیقاً جمله‌ی قبلی خودش را بازگو می‌کند و هر دوی این جملات، نتیجه‌ی آن پاراگراف را بیان می‌کنند که قدرت فکری شانس نیست و با آموزش و تمرین به دست می‌آید.

**نادرستی سایر گزینه‌ها:**

**بررسی گزینه (۱):** لیپمن اصلاً نمی‌گوید که فرایند یادگیری تفکر صحیح، دشوار است بلکه فقط می‌گوید تصادفی نیست و آموزه است.

**بررسی گزینه (۲):** دقت کنید هیچ‌جای متن گفته نشده که ادعای غالب در زمینه‌ی آموزش تفکر اصلاً چه هست که بخواهیم با مثال آن را رد کنیم.

**بررسی گزینه (۴):** این گزینه کاملاً بی‌ربط است.

۴- گزینه ۲» طبق متن، «خلاقیت، سازماندهی دوباره‌ی دانسته‌ها برای پی‌بردن به مطالبی است که نمی‌دانیم. از این‌رو، برای این‌که خلاقانه بیندیشیم باید این توانمندی‌ها در ما ایجاد شود». یعنی برای این‌که خلاقانه بیندیشیم باید توانایی سازماندهی دوباره‌ی دانسته‌ها برای پی‌بردن به مطالبی که نمی‌دانیم در ما ایجاد شود. پس برای تفکر خلاق داشتن ساختار بندی دوباره‌ی مطالبی که می‌دانیم برای رسیدن به نادانسته‌ها ضروری است، چون برای خلاقیت داشتن ضروری است».

بررسی گزینه (۱): در متن گفته شده: «ماهیت و ذات تفکر انتقادی، رسیدن به قضاوت معلق یا تردید سالم است»؛ ولی این مسئله ربطی به تفکر خلاق ندارد.  
بررسی گزینه (۳): در رابطه با نداشتن ذهن بسته است و به تفکر خلاق ربطی ندارد.  
بررسی گزینه (۴): در رابطه با تفکر انتقادی است نه تفکر خلاق.  
دقت کنید که فقط در پاراگراف آخر راجع به خلاقیت و تفکر خلاق صحبت شده است و این مسئله می‌تواند به انتخاب سریع‌تر گزینه‌ی درست به شما کمک کند.

### پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه ۴» به صورت سؤال دقت کنید. سؤال پرسیده کدام مورد را می‌توان در پاراگراف اول از دیدگاه نویسنده استنباط کرد. در این پاراگراف نویسنده شکایت دارد که چرا ترجمه ارزش کمتری نسبت به تألیف پیدا کرده است و از این قضیه رضایت ندارد؛ بنابراین می‌توان گزینه‌ی (۴) را از دیدگاه نویسنده استنباط کرد: «مترجمان موجوداتی نامرئی‌اند که هنر نویسندگی آنان...» که نشان می‌دهد گزینه (۴) صحیح است.  
نادرستی سایر گزینه‌ها:

بررسی گزینه (۱): مترجم ادعا دارد که نباید ترجمه ارزش کمتری نسبت به تألیف داشته باشد، اما این را هم نمی‌گوید که کار ترجمانی از فعالیت‌های تألیفی بالاتر است.  
بررسی گزینه (۲): نویسنده ادعا می‌کند که «مترجمان موجوداتی نامرئی‌اند که هنر نویسندگی آنان در سایه‌ی شهرت نویسنده محو می‌شود»؛ اما این گزینه گفته: نام مترجم را بسیار کم‌رنگ می‌کند. بنابراین این گزینه صحیح نیست. در برخی سؤالات درک مطلب تک‌تک کلمات یک گزینه مهم هستند مثل این سؤال.  
بررسی گزینه (۳): اواخر قرن شانزدهم، پس از قرون وسطی نیست.

۶- گزینه ۴» همان‌طور که می‌بینیم در پاراگراف دوم ابتدا دلایلی برای تمایز بین تألیف و ترجمه مطرح می‌شود، مثل اختراع صنعت چاپ یا پیچیدگی‌های قوانین حق تألیف و افزایش مداوم تعداد باسوادان. سپس از خط ۱۵ تا پایان پاراگراف راجع به این مسئله گفته شده که مضحک است ترجمه را فعالیتی غیرادبی بدانیم و ادعا می‌کند که تألیف و ترجمه از نظر ارزشی تمایزی ندارند و هر دو اثر ادبی هستند. پس گزینه‌ی (۴) بهترین پاسخ برای این سؤال است.  
گزینه‌های (۱) و (۲) اصلاً ساختار پاراگراف دوم را توصیف نمی‌کنند و گزینه‌ی (۳) هم پاسخ صحیح نیست؛ چرا که ادله‌ای برای رد یک نظریه مطرح نمی‌شود بلکه دلایلی مطرح می‌شود که چرا یک پدیده اتفاق افتاده است.

۷- هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست. پاسخ سنجش گزینه (۱) می‌باشد که متأسفانه ایراد دارد. در متن از هر ۴ روش استفاده شده است. در بخشی از متن فرآیند ترجمه کردن توسط مترجم، در بخشی دیگر عملکرد ترجمه و در بخشی از متن سیر زمانی تحول در ترجمه توضیح داده شده است. همچنین در بخشی از مثال تقلید صدا استفاده شده است.

۸- گزینه ۳» دقت کنید که پیش از [۳] جمله این است: «ممکن است ترجمه در طول حیات یک نویسنده یکی از فعالیت‌های ادبی وی نیز باشد». و پس از [۳] مطرح می‌شود که بیشتر شعرای قرن هجدهم، رمانتیک‌های اروپا و نویسندگان دیگری، همگی ترجمه می‌کردند و ترجمه‌های دیگران را می‌خواندند. پس بهترین قسمت برای قرار گرفتن مثال الکساندر پوپ که شهرتش را به یک اندازه مدیون تألیف و ترجمه‌اش است، قسمت [۳] است.

## بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۱» با توجه به این که در اواسط متن گفته شده «... گره کار عمدتاً در اینجاست که بر سر تعریف تفکر، اتفاق نظر وجود ندارد...» و نظر به این که مینسکی گفته است به شرط این که برای من تعریف کنید تفکر چیست؟ لذا واضح است که مینسکی با این گفته در واقع یک سنگ بزرگ و یک مشکل لاینحل (تعریف دقیق تفکر) را پیش روی مخالف خود قرار داده است. گزینه‌های دیگر کاملاً بی‌ربط هستند و اصلاً هم گول‌زننده نیستند!!

۱۰- گزینه «۱» در سؤالات استنباط از متن باید حواستان باشد، استنباط صرفاً از متن باشد و نه تصورات و نظرات شخصی! برای مثال در این سؤال ممکن است گزینه (۲) و یا حتی (۳) براساس آنچه در دانشگاه‌ها می‌بینیم و یا تجربیات شخصی خودمان کمی منطقی به نظر برسد؛ ولی این گزینه از متن استنباط نمی‌شود! متن بیشتر توصیه دارد تحقیق جدی در این حوزه صورت گیرد و اساساً فقط گزینه (۱) را می‌توان از متن استنباط کرد.

۱۱- گزینه «۴» به وضوح گزینه‌های (۲) و (۳) بی‌ربط به خواسته‌ی سؤال هستند. گزینه (۱) هم بیشتر در راستای تأیید نظر نویسنده است و به هیچ‌وجه به آن ایراد وارد نمی‌کند. بنابراین گزینه (۴) جواب صحیح سؤال است. البته این گزینه به بحث ایراد ترجمه در متون غیرعلمی اشاره می‌کند که ایراد درستی هم هست؛ ولی توجه کنید که در متن نوشته شده، تمرکز نویسنده بیشتر بر حوزه‌های علمی است و می‌گوید ترجمه در آن حوزه‌ها اشکال ندارد و لذا این گزینه هم چندان جالب نیست! ولی با وجود سایر گزینه‌ها، این گزینه جذاب‌تر است.

۱۲- گزینه «۲» گزینه (۳) به وضوح غلط است، چون قسمت اول به هیچ‌وجه با موضع اصلی نویسنده ناهمخوان نیست. گزینه (۴) هم غلط است، چون قسمت اول نمی‌تواند نتیجه‌گیری کلی متن لقب بگیرد. گزینه (۱) هم غلط است، چون قسمت اول ادعای اصلی این متن نیست! گزینه (۲) به خوبی نقش دو قسمت را بیان کرده است.

۱۳- گزینه «۳» نویسنده‌ی متن در قسمت‌های پایانی سعی دارد موضوع ارتباط ساخت‌های زبانی و اثر آن بر پذیرش مفاهیمی همچون دین و اخلاق را اغراق‌آمیز جلوه دهد. قرار است این استدلال را تضعیف کنیم. گزینه (۳) با تأکید بر این که بدون زبان هم پذیرش باورهای دینی امکان‌پذیر بوده است، بسیار واضح این کار را کرده است. گزینه‌های دیگر اصلاً قابلیت بررسی ندارند و غلط هستند.

۱۴- گزینه «۱» نویسنده‌ی متن می‌گوید آموزش توانش بین فرهنگی به افراد، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و کمک شایانی به پیشبرد اهدافی همچون جلوگیری از اعمال نژادپرستانه می‌کند. می‌خواهیم این تفکر را تأیید و تقویت کنیم. کاملاً واضح است که با خواندن گزینه (۱) می‌توان همین گزینه را انتخاب کرد. هر چند کلمه‌ی «برخی» کمی از قدرت لازم این گزینه کاسته است، در مقایسه با سایر گزینه‌ها، این گزینه بهترین انتخاب است.

۱۵- گزینه «۲» طراح این سؤال گزینه‌های دیگر را آنقدر بد طراحی کرده است که از اشتباه بودن و بی‌ربط بودن آن‌ها به راحتی می‌توان گزینه صحیح را انتخاب کرد! واضح است که اگر تغییرات پاول وهولین در ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ همگی درست و به‌جا نباشند، دیگر نویسنده متن نمی‌توانست سه خط پایانی متن را بنویسد، پس گزینه (۲) فرض پنهان در ذهن نویسنده متن بوده است.

## بخش سوم: سؤالات تحلیلی

قرار است حروف A تا F در شش خانه از چپ به راست نوشته شوند با رعایت محدودیت‌های زیر:

(۱) حرف B زودتر از D نوشته شود.

(۲) A کنار E باشد ولی کنار D نباشد.

(۳) B دقیقاً بین A و C نباشد.

(۴) با جابه‌جایی حروف اول و آخر با هم، محدودیت‌های قبل نقض شود.

۱	۲	۳	۴	۵	۶
---	---	---	---	---	---

ذکر یک نکته در مورد محدودیت (۱) ضروری است. با توجه به محدودیت (۱)، B آخر نمی‌تواند باشد و D اول نمی‌تواند باشد. اگر بخواهیم همزمان

محدودیت (۴) را هم لحاظ کنیم B و D هیچ‌کدام جایگاه اول و ششم نمی‌توانند باشند.

اکنون می‌توانیم به سؤالات پاسخ دهیم:

۱۶- گزینه «۱» قرار است E و F کنار هم باشند. از طرفی طبق محدودیت (۲) باید A کنار E باشد. طبق محدودیت (۱)، B باید زودتر از D نوشته شود.

سه‌تایی FED را می‌توانیم به صورت زیر جایگذاری کنیم.

F	E	A	B	D	C
---	---	---	---	---	---

دقت کنیم که با جابه‌جایی C و F محدودیت (۴) هم برقرار است. پس حرف B دقیقاً بعد از A نوشته می‌شود.

۱۷- گزینه «۴» قرار است B زودتر از A نوشته شود. طبق محدودیت (۱) باید B از D هم زودتر نوشته شود و با رعایت محدودیت (۲)، A باید کنار E

باشد از طرفی طبق محدودیت (۳)، B نمی‌تواند بین A و C باشد. حالت زیر را در نظر بگیرید:

F	B	D	E	A	C
---	---	---	---	---	---

یادآور می‌شویم که B و D طبق محدودیت (۱) و (۴) نمی‌توانند ابتدا یا انتها باشند و در حالت فوق F و C می‌توانند با هم جابه‌جا شوند (محدودیت (۴)).

۱۸- گزینه «۲» اگر E سوم باشد می‌توانیم طبق محدودیت (۲) حرف A را در جایگاه ۲ لحاظ کنیم. B و D طبق محدودیت ۱ در جایگاه ۳ و ۴ قرار

می‌گیرند. F و C هم طبق محدودیت (۴) در جایگاه اول و آخر هستند.

F	A	E	B	D	C
---	---	---	---	---	---

پس D الزاماً حرف پنجم است.

۱۹- گزینه «۳» D و F کنار هم باشند. از طرفی طبق محدودیت (۲) باید A و E هم کنار هم باشند. طبق محدودیت (۱) B باید جلوتر از D باشد.

تکلیف C و F هم با این حساب در جایگاه اول و آخر مشخص می‌شود.

C	E	A	B	D	F
---	---	---	---	---	---

↑ ↑

از حروف مشخص شده، جای A و E می‌تواند با هم عوض شود و بقیه حروف جایگاه ثابت دارند.

رمز کوشی به فرم در هر حالت و در هر جهتی می‌باشد. محدودیت‌ها را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

(۱) حالت ۵ → ۴ و ۳ ↓ ۶ نداریم ولی جهت برعکس این حالت‌ها امکان‌پذیر است.

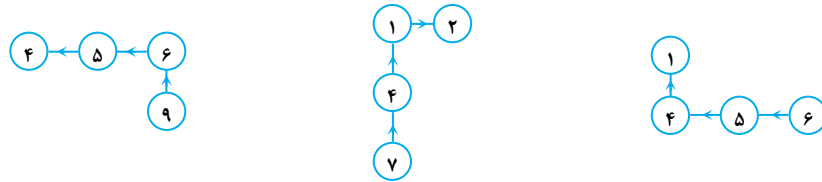


(۲) عدد (۲) اولی نیست و عدد (۷) آخری نیست.

(۳) عدد (۸) در الگو نیست.

با رعایت این سه محدودیت در عمل خیلی از حالتها حذف می‌شود. اکنون می‌توانیم به سؤالات پاسخ دهیم:

۲۰- گزینه «۲» اگر عدد (۳) نباشد حالت‌های زیر را با لحاظ کردن محدودیت‌ها خواهیم داشت:

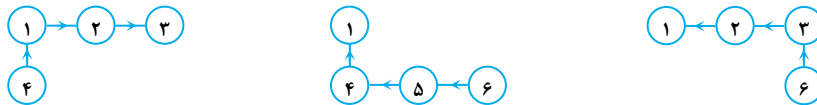


در همه این حالت‌ها (۲) اول و (۷) آخر نیست (محدودیت (۲))

محدودیت (۱) هم در همه حالت‌ها رعایت شده است. عدد (۸) هم حضور ندارد. در هر سه حالتی که عنوان شد (۴) حضور دارد.

۲۱- گزینه «۳» الگو باید به عدد فرد ختم شود به جز عدد (۷) (طبق محدودیت (۲)) به (۹) هم نمی‌تواند ختم شود چون یا باید از (۸) عبور کنیم

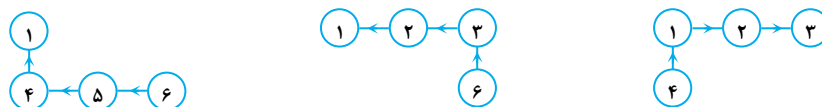
نقض محدودیت (۳) یا این که رخ دهد (نقض محدودیت (۱)) پس می‌تواند فقط به (۱) یا (۳) ختم شود.



و فقط همین سه حالت ممکن است و گزینه (۳) صحیح است.

۲۲- گزینه «۱» اگر الگو با عدد زوج شروع شود طبق محدودیت (۲) و (۳) اعداد (۸) و (۲) نمی‌توانند نقطه شروع باشند پس باید از (۴) یا (۶) شروع شود.

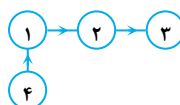
حالت‌های زیر را داریم:



فقط (۱) در هر سه حالت حضور دارد.

۲۳- گزینه «۴» اگر الگو را از آخر به اول رسم کنیم نباید محدودیتی نقض شود. پس طبق محدودیت (۲) نقطه شروع یا پایان نباید (۲) یا (۷) باشد.

طبق محدودیت (۳) (۸) هم که کلاً حضور ندارد. بر اساس محدودیت (۱) عبور از و هم جایز نیست. پس فقط حالت زیر باقی می‌ماند.

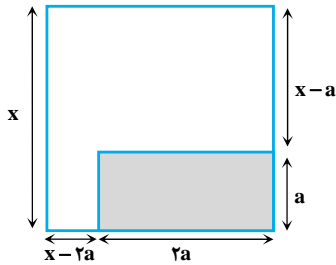


رقم (۵) در این الگو حضور ندارد.

بخش چهارم: حل مسئله

۲۴- گزینه «۲» سؤال بسیار راحتی است! مجموع اعداد داخل دایره برابر با حاصل ضرب دو عدد بیرون دایره است. بنابراین داریم:

$$4 + 12 + ? = 3 \times 8 \Rightarrow ? = 24 - 16 = 8$$



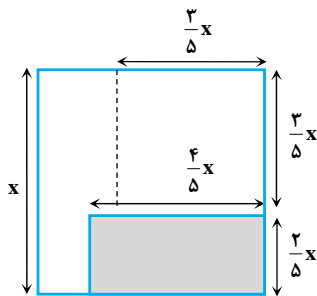
۲۵- گزینه «۴» هر چه در صورت سؤال می‌خوانیم را روی شکل پیاده می‌کنیم. مستطیلی به نسبت ۱ به ۲ جدا می‌کنیم. فرض می‌کنیم عرض مستطیل  $a$  باشد، پس طول آن  $2a$  می‌شود. مساحت مستطیل ۳۲ درصد مساحت مربع اولیه است. یعنی داریم:

$$(2a) \times (a) = \frac{32}{100} (x^2) \Rightarrow a^2 = \frac{16}{100} x^2 \Rightarrow a = \frac{4}{10} x = \frac{2}{5} x$$

پس حالا می‌توانیم شکل جدید را فقط برحسب  $x$  ترسیم کنیم.

مساحت بزرگ‌ترین مربع ممکن که می‌توان از قسمت باقی‌مانده جدا کرد، مربع نشان داده شده در شکل است که طول ضلع آن  $\frac{3}{5}x$  است. مساحت این مربع  $\frac{9}{25}x^2$  است و چون مساحت مربع

اولیه  $x^2$  بود، لذا مساحت مربع جدا شده  $\frac{9}{25} = \frac{36}{100} = 36\%$  مساحت مربع اولیه است.



۲۶- گزینه «۱» گفته شده در ۱۶ سالگی فرزند، این زوج، ۳ برابر فرزندشان سن دارند، پس سن آن‌ها  $3 \times 16 = 48$  سال است. اگر فرض کنیم  $x$  سال پس

$$26 + x + 16 = 48 \Rightarrow x = 48 - 42 = 6$$

از ازدواج این فرزند به دنیا آمده باشد، معادله مقابل را داریم:

۲۷- گزینه «۳» فرض می‌کنیم طول چوب کبریت ۱۱ باشد و آن را به دو قسمت ۴ و ۷ تقسیم کرده‌ایم، گفته شده تکه بزرگ‌تر را نصف کرده‌ایم، پس دو قطعه با طول  $\frac{3}{5}$  داریم. می‌خواهیم یک قسمت با طول  $\frac{3}{5}$  از قسمت دیگر (قسمتی که طول آن ۴ است) ایجاد کنیم. واضح است باید به اندازه  $\frac{1}{5}$  آن را

دور بیندازیم. اما سؤال گفته این  $\frac{1}{5}$  (یا  $\frac{1}{4}$ ) چند درصد ۴ است، که به راحتی  $\frac{1}{4} = \frac{1}{8}$  که با ضرب صورت و مخرج در عدد  $\frac{12}{5}$  متوجه می‌شویم،  $12/5\%$  است.

۲۸- گزینه «۳» ابتدا صورت سؤال را به زبان ریاضی ترجمه می‌کنیم. فرض کنیم قیمت بازار گوشی  $x$  باشد. می‌دانیم قیمت خریداری شده  $\frac{80}{100}x$  است و

قیمت فروخته شده  $\frac{80}{100}x + \frac{40}{100} \times (\frac{80}{100}x)$  است. یعنی قیمت فروش  $\frac{112}{100}x$  است. دیگر اطلاعاتی در متن سؤال نداریم. سراغ مقادیر ستون‌ها می‌رویم:

مقدار ستون (الف): با توجه به توضیحات فوق قیمت فروخته شده  $\frac{112}{100}x$  است.

مقدار ستون (ب): با توجه به این که قیمت بازار آن  $x$  است، پس با سود ۱۲ درصدی قیمت آن  $\frac{112}{100}x = x + \frac{12}{100}x$  می‌شود.

با مقایسه مقادیر دو ستون، واضح است که گزینه (۳) باید جواب باشد.



۲۹- گزینه «۴» فرض کنیم ۱۰۰ نفر مراجعه کننده وجود داشته باشد، در این صورت ۴۰ نفر زن و ۶۰ نفر مرد هستند. با توجه به نمودار (۱) سهم دارالترجمه‌های A، B، C و D به ترتیب ۳۰، ۲۰، ۵ و ۴۵ نفر و با توجه به نمودار (۲) سهم مراجعه کننده زن به هر کدام از دارالترجمه‌های A، B، C و D به ترتیب ۱۰، ۱۴، ۴ و ۱۲ می‌باشد. پس می‌توان فهمید سهم مراجعه کننده مرد به هر دارالترجمه A، B، C و D به ترتیب ۲۰، ۶، ۱ و ۳۳ نفر می‌باشد. اکنون می‌توانیم به سؤالات پاسخ دهیم:

$$\begin{array}{c} \text{زن} \\ \text{A} \quad \text{B} \quad \text{C} \quad \text{D} \\ \hline \frac{25}{100} \times 40 = 10 \quad \frac{35}{100} \times 40 = 14 \quad \frac{10}{100} \times 40 = 4 \quad \frac{30}{100} \times 40 = 12 \\ \hline \text{مرد} \\ \text{A} \quad \text{B} \quad \text{C} \quad \text{D} \\ \hline 30 - 10 = 20 \quad 20 - 14 = 6 \quad 5 - 4 = 1 \quad 45 - 12 = 33 \end{array}$$

در سؤال ۲۹ مطلوب سؤال کسر زیر است:

$$\text{مطلوب سؤال} = \frac{\text{مرد مراجعه کننده به B}}{\text{کل مراجعین B}} = \frac{6}{20} = 30\%$$

۳۰- گزینه «۱» می‌توانیم برای C و D از تناسب زیر استفاده کنیم:

$$\begin{array}{c|c} \text{مرد} & \text{مرد} \\ \text{C} & \text{D} \\ \hline 1 & 33 \\ \hline 75 & x \end{array} \Rightarrow x = \frac{33 \times 75}{1} \Rightarrow x = 2475$$